



آیا نام حضرت محمد(ص) در تورات و انجیل آمده است؟

گفته می شود آیاتی در تورات و انجیل که نشانه های حضرت محمد(ص) به آن اطلاق می شود، غیر واضح هستند و دقیقاً نمی توان گفت منظور آن حضرت محمد(ص) است چون این نشانه ها بر حضرت عیسی(ع) هم منطبق است.

گفته می شود آیاتی در تورات و انجیل که نشانه های حضرت محمد(ص) به آن اطلاق می شود، غیر واضح هستند و دقیقاً نمی توان گفت منظور آن حضرت محمد(ص) است چون این نشانه ها بر حضرت عیسی(ع) هم منطبق است.

به گزارش خبرنگار مهر، پرسشی در خصوص پیامبر عظیم الشان اسلام توسط مرکز پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه مورد بررسی قرار گرفته است که متن سوال و پاسخ آن از نظر می گذرد.

پرسش: آیاتی در تورات و انجیل که نشانه های حضرت محمد(ص) به آن اطلاق می شود، کمی غیر واضح هستند و دقیقاً نمی شود گفت حضرت محمد(ص) منظور می باشد. چون این نشانه ها بر حضرت عیسی(ع) هم منطبق است؟

پاسخ: قبل از پرداختن به این مطلب که در تورات و انجیل به آمدن پیامبر اسلام بشارت داده شده و اسمی از آن حضرت در این کتاب ها آمده است یا خیر، توجه به این تذکر لازم می باشد که اعتقادات هر انسان باید مبتنی به دلایل متقن و معیارهای عقل باشد و این نوع اعتقاد از رجوع و مطالعه به آموزه های ادیان مختلف و با مقایسه ی آنها امکان پذیر می باشد.

ثانیا، نه عقل و نه هیچ دینی نگفته است که حقانیت دین اسلام متوقف بر وجود اسم پیامبر اسلام(ص) در کتاب تورات و انجیل است. هر چند وجود اسم پیامبر اسلام در این کتاب ها بر پیروان این دو کتاب حجت می باشد و آنان را ملزم به پیروی از دین اسلام می گرداند. بنابراین نبود اسم پیامبر و ابهام در اسامی موجود در این کتابها دلیل تزلزل اعتقادات يك مسلمان که عقایدش را از معیارهای عقل به دست آورده است، نمی تواند باشد.

ثالثا، نوید و بشارت آمدن پیامبر اسلام(ص) به تصریح قرآن کریم در تورات و انجیل ذکر گردیده و مشخصاتش چنان بوده که وقتی اهل کتاب آن حضرت را دیدند، شناختند و همان پیامبری را یافتند که حضرت موسی و عیسی(ع) بشارتش را داده بودند. (۱)

بنابراین اسم پیامبر اسلام و بشارت به نبوت آن حضرت در کتاب های انجیل و تورات اصلی به شکل فراوان و آشکار وجود داشته است که در اثر تحریف این دو کتاب، این موارد حذف شده اند ولی در عین حال مطالبی در انجیل و تورات وجود دارد که بر غیر پیامبر اسلام قابل انطباق نمی باشد که به صورت مختصر این موارد را ذکر می کنیم:

در کتاب تورات امروزی می خوانیم: حضرت موسی(ع) به بنی اسرائیل فرمود: و خداوند به من گفت، آن چه گفت و نیکو گفت پیامبری را برای بنی اسرائیل از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر کنم به بنی اسرائیل خواهد گفت و هر کس که سخنان مرا که او به اسم من می گوید نشنود من از او مطالبه خواهم کرد. (۲)

آنچه مسلم است این پیامبر حضرت محمد(ص) است نه حضرت عیسی(ع)، چرا که تورات حضرت اسماعیل را برادر بنی اسرائیل معرفی کرده و پیامبری که از نسل اسماعیل مبعوث شده حضرت خاتم الانبیا(ص) می باشد نه حضرت عیسی(ع). بقیه جانشینان حضرت موسی(ع) نیز از نسل حضرت اسحاق و بنی اسرائیل بودند.

در سفر پیدایش تورات آمده است: فرشته خدا به هاجر فرمود: ... اینک تو حامله هستی و پسری خواهی زایید، نام او را اسماعیل بگذار، چون خداوند آه و ناله تو را شنیده است، پسر تو وحشی خواهد بود و با برادران خود سر ناسازگاری خواهد داشت. (۳)

باز می خوانیم: و اعقاب و فرزندان اسماعیل دائماً با برادران خود در جنگ بودند. (۴) بنابراین به روشنی پیداست که بنی اسرائیل از نسل حضرت اسحاق برادر حضرت اسماعیل هستند و همواره با اسماعیل در اختلاف بودند و طبق تورات پیامبری که خواهد آمد از نسل حضرت اسماعیل است و رسول گرامی اسلام (ص) نیز از نسل حضرت اسماعیل می باشند.

اینک به بیان آیتانی از انجیل یوحنا می پردازیم: «من از پدر خواهم خواست و او پارقلیطای دیگری به شما خواهد داد که تا ابد با شما باشد.» (۵)، «چون بیاید آن پارقلیطا که من سوی شما خواهم فرستاد از جانب پدر، روح راستی که از جانب پدر می آید او درباره من شهادت خواهد داد.» (۶)، «لیکن من راست می گویم به شما، که شما را مفید است که اگر من نوم پارقلیطا سوی شما نخواهد آمد اما اگر بروم او را نزد شما خواهم فرستاد.»، «و چون او بیاید جهان را به پرهیز از گناه و صدق و انصاف ملزم خواهد کرد...»، «... و چون او بیاید شما را به تمام راستی ارشاد خواهد نمود زیرا که او از پیش خود چیزی نخواهد گفت و هرچه خواهید شنید خواهد گفت و شما را به آینده خبر خواهد داد.»، «و او مرا جلال خواهد داد.»، هر آنچه پدر دارد از آن من است از همین سبب گفتم که آنچه از من است خواهد یافت و شما را خبر خواهد داد.» (۷)

پارقلیطا معرب کلمه پاریکلتوس است که معنی آن در فارسی بسیار ستوده و در عربی احمد و محمد می شود. قبل از اسلام در این که پارقلیطا پیامبر موعود انجیل است هیچ اختلافی بین علمای مسیح و مفسرین انجیل وجود نداشته است حتی افرادی از مسیحیان خود را موعود انجیل خواندند و به این لفظ تمسک جستند. ولیم میور در کتاب خود که در تاریخ ۱۸۴۸ میلادی نوشته است آورده که فردی از آسیای صغیر بنام «منتس» دعوی رسالت کرد و خود را پارقلیطای موعود انجیل خواند و گروهی هم وی را پذیرا شدند (۸)

اما علمای مسیحی بعد از اسلام وقتی به این آیات رسیدند فارقلیطا را بمعنی پاراکلتوس، که بمعنی تسلی دهنده است و بر روح القدس اطلاق می شود ترجمه کردند تا بشارت ظهور محمدی را محو نمایند. لکن می توان به ادله متعددی ثابت کرد که فارقلیطا، روح القدس نیست بلکه همان پیامبر موعود است که حضرت محمد باشد و نظریه علمای مسیحی مردود است زیرا آیات نقل شده بشارت از ظهور کسی پس از حضرت عیسی مسیح (ع) می دهد که:

الف) آمدن او مشروط به رفتن مسیح بوده و آمدن روح القدس مشروط به چنین شرطی نبوده است زیرا روح القدس بارها قبل از آن به حضور حضرت مسیح رسیده و پیام الهی آورده است و اگر چنین باشد سخن حضرت مسیح لغو خواهد بود که فرمود تا من باشم او نخواهد آمد.

ب) او پارقلیطای دیگری است که برای همیشه و تا انقراض جهان شخصیت و آئین اش بر بشریت حکومت می کند. اگر پارقلیطا روح القدس باشد پارقلیطای دیگر روح القدس دیگر است و این مطلب اعتقادات خود مسیحیان را زیر سؤال می برد که می گویند خدا در سه جزء پدر و پسر و روح القدس جلوه گر است. زیرا عده اقامیم را از ۳ به ۴ بیشتر افزایش می دهد و این خود مخالف تثلیث مورد ادعای آنهاست.

ج) وی درباره مسیح شهادت داده او را تصدیق خواهد کرد. اگر روح القدس باشد لازم می آید که او بر افرادی غیر از انبیاء الهی هم نازل شود و اینکه او آئین مسیح را تکمیل و ناگفته های او را بیان خواهد نمود و آن حضرت را جلال و شکوه خواهد بخشید به بدهات عقل واضح است که تکمیل آئین مسیح بر عهده پیامبران است نه روح القدس که از ملائکه است و اگر قرار بود روح القدس این وظیفه را انجام دهد دیگر چه نیازی به هر کدام از انبیاء الهی بود.

د) روح القدس رئیس جهان نیست زیرا ریاست معنوی و روحانی بعهد انبیاء است و روح القدس بر مردم نازل نمی شود، تا مردم را به چیزی ملزم و از چیزی باز دارد.

با نگاهی به سیره و خصوصیات اسلامی پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - می بینیم تمام این ویژگی ها که حضرت عیسی (ع) اشاره کرده و به مسیحیان سفارش پیروی از او نموده در پیامبر اسلام جمع است مانند:

- ۱) پیامبر اسلام همچو عیسی بشر و پیامبر است.
- ۲) از لقب های حضرت محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - رئیس الخلائق یعنی رئیس جهان است.
- ۳) در قرآن بارها به حضرت عیسی - علیه السلام - و حقانیتش در رسالت گواهی داده است.
- ۴) هیچ گاه از پیش خود سخن نمی گوید و هر چه می گوید وحی الهی است که توسط جبرئیل از خداوند دریافت کرده است.
- ۵) به امور آینده هم خبر داده است همانند غلبه روم در اول سوره روم. و نیز روایاتی که بر حوادث آخر الزمان دلالت دارند.

نتیجه این که در ادیان آسمانی به آمدن پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - بشارت هایی داده بودند و قرآن بارها در مذمت یهود و نصاری این نکته را تاکید کرده است که آنها پیامبر را به مانند فرزندان خویش می شناختند ولی آنان پس از روشن شدن حقانیت پیامبر اسلام از پیروی وی سرباز زدند و به بیراهه رفتند. (۹)

البته در انجیل برنابا که در نزد مسیحیان رسمیت ندارد و در کنفرانس نیقیه (۳۲۵ م) با اناجیل بشمار دیگر توسط کنستانتین

امپراطور تازه مسیحی شده روم باطل اعلام شد خیلی آشکار از نبوت پیامبر اسلام سخن گفته شده است که در قسمت از این انجیل چنین آمده است: رئیس کاهنان و والی رومان و هیروودس پادشاه نزد عیسی آمدند (با تمام تواضع تا جائی که رئیس کاهنان می خواست در مقابل حضرت سجده کند) و بعد از گفتگوهای متعدد و مختلف کاهن اعظم در مورد مسیا پیامبر موعود تورات از حضرت سؤالاتی کرد. (۱۰)

کاهن در جواب گفت که در کتاب موسی نوشته شده که زود باشد که خدای ما برای ما مسیا را که خواهد آمد می فرستد تا خبر دهد ما را به آنچه خدا می خواهد و رحمت خدا را برای جهان خواهد آورد، از این رو امیدوارم از تو که راستی را بفرمائی آیا تو مسیای خدا هستی که منتظر اوئیم. «یسوع «عیسی» در جواب فرمود حقا که خدا این چنین وعده داده و لیکن من او نیستم زیرا که او پیش از من آفریده شده و بعد از من خواهد آمد...» (۱۱)

در آیات بعد تا انتهای فصل نود و شش حضرت عیسی از اینکه بعد از او وی را خدا و پسر خدا خواهند خواند غمگین می شود و کاهن و والی رومان و هیروودس پادشاه سعی بر تسلی دادن عیسی(ع) می کنند که ایشان در جواب می فرمایند: «و لیکن تسلی من همان در آمدن پیامبری است که هر اعتقاد دروغ را درباره من از میان خواهد برد و آئین او امتداد خواهد یافت و همه جهان را فرا خواهد گرفت زیرا که خدا به پدر ما ابراهیم چنین وعده داده. همانا آنچه مرا تسلی می دهد آنست که آئین او را هیچ نهایی نیست زیرا خدا او را درست نگهداری خواهد فرمود.» کاهن گفت آیا بعد از او پیغمبران خواهند آمد. یسوع در جواب فرمود «بعد از او پیغمبران راستگوی نخواهند آمد».

آن وقت کاهن پرسید به چه نامیده می شود و کدام است آن علامتی که آمدن او را اعلام می نماید. حضرت در جواب فرمود: «همانا نام مبارک او محمد است. آن وقت جمهور مردم صدای خود را بلند کرده گفتند ای خدا بفرست برای ما پیغمبر خود را ای محمد بیا زود برای خلاصی جهان.» (۱۲)

هر چند ما توضیحات را کافی می دانیم اما تیمنا و تبرکا نقلی هم از کتاب حضرت ادریس(ع) بطور خلاصه نقل می کنیم. کتابی از حضرت ادریس(ع) در لندن سال ۱۸۹۵ به لغت سریانی به چاپ رسیده که اکنون نیز موجود است در صفحات ۵۱۴ و ۵۱۵ آن آمده است: در حضور حضرت ادریس(ع) بین شاگردان حضرت ادریس بحث شد که افضل مخلوقات الهی چه کسانی هستند. برخی گفتند آدم. برخی گفتند: ملائکه. گروهی هم گفتند: جبرئیل(روح القدس) بحث به درازا و جدل کشید.

حضرت ادریس(ع) فرمود: وقتی خدا مرا آفرید و از روح خود در من دمید و من درست نشستم عرض اعظم الهی را دیدم و پنج شب نورانی را نگریستم که در عرش هویدا است در نهایت عظمت و جلال، جمال و کمال و حسن و ضیاء و بهاء و نورشان مرا غرق در حیرت کرد.

عرض کردم خدایا این انوار با عظمت و جلال کیانند خطاب رسید اینها اشرف مخلوقات من و واسطه بین من و سایر آفریدگانند اگر اینها نبودند من ترا نمی آفریدم و نه آسمان و زمین نه بهشت و جهنم نه کتاب نه آفتاب و ماه، عرض کردم نام اینها چیست؟ خطاب رسید: بساق عرش بنگر. نگریستم دیدم این پنج نام مبارک نوشته شده: پارقلیطا (محمد) ایلیا (علی) طیطه(فاطمه) شبر(حسن) شپیر(حسین).

و نیز نوشته بود: ای مخلوقات من مرا پرستش کنید که نیست خدایی غیر از من. این کتاب مورد قبول کلیساهای معتبر جهان است.

پاورقی:

۱. رک: بقره: ۱۴۶، انعام: ۱۹، اعراف: ۱۵۷، صف: ۶.
۲. کتاب مقدس، عهد عتیق، سفر تثنیه، ب ۱۸: ش ۱۹ و ۱۸.
۳. همان، سفر پیدایش، ب ۱۶، ش ۱۰ - ۱۱.
۴. همان، ب ۲۵، ش ۱۷.
۵. انجیل یوحنا، باب چهارده، آیه ۱۶،
۶. همان، آیه ۲۶.
۷. انجیل یوحنا، باب ۱۶، آیات ۷ تا ۱۵.
۸. بشارات عهدین، محمد صادقی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، تهران، ص ۲۳۱.
۹. رک: بقره: ۱۴۶، انعام: ۱۹، اعراف: ۱۵۷، صف: ۶...
۱۰. مشروح گفتگوهای آنها از فصل نود و سه تا نود و پنج آمده است.

۱۱. انجیل برنابا، ترجمه حیدر قلیخان قزلباش سردار کابلی، دفتر نشر الکتاب بهار ۶۲، فصل نود و شش، آیات ۴۰۳ و ۵.
۱۲. همان آیات ۵، ۶، ۷، ۸ و فصل نود و هفت آیات، ۱۴، ۱۸، ۱۹.